

دانش و پژوهش در روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره بیست و چهارم - تابستان ۱۳۸۳
صص ۵۸ - ۳۹

رابطه بین تعارضات زندگی زناشویی با سازگاری نوجوانان دختر مقطع راهنمایی شهر تهران

سیمین بشردوست^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین تعارضات خانوادگی (زناشویی) با سازگاری نوجوانان دختر مقطع راهنمایی شهر تهران بوده است. در این پژوهش نحوه ادراک، تفسیر و ارزیابی نوجوانان دختر از تعارضات خانوادگی مطرح بوده است. بر این اساس جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران تشکیل داده‌اند که از بین آنها ۲۹۸ نفر براساس حجم مدارس با شیوه تصادفی نظامدار انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش، پرسشنامه ادراک کودکان از تعارض بین فردی (CPIC)، پرسشنامه مخصوص والدین و پرسشنامه رفتار سازشی کودک بوده است. پرسشنامه ادراک کودکان از تعارض بین فردی (CPIC) را دانش‌آموزان به صورت گروهی پاسخ دادند و پرسشنامه رفتار سازشی به منزل آنان فرستاده شد تا والدین به آن پاسخ دهند. فرضیه‌های پژوهش عبارت

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

بودند از: بین سازگاری نوجوانان و ادراک آنها از ابعاد تعارض والدین رابطه وجود دارد. همچنین بین رفتار سازشی نوجوانان و شدت فراوانی تعارضات خانوادگی رابطه وجود دارد. داده‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و تحلیلی بررسی شد. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح استنباطی از مجذور خی و χ^2 کرامر و ضریب توافق و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که شدت تعارضات خانوادگی، تهدید دریافتی، سرزنش و تعارض سه‌گانه با سازگاری دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P < 0/05$) وجود دارد، اما بین فراوانی تعارضات خانوادگی، قابل حل دیدن تعارضات، محتوای تعارضات، پایداری و کنار آمدن و مقابله مطلوب با سازگاری دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: تعارضات خانوادگی، تعارضات زناشویی، ادراک کودکان از تعارضات بین‌فردی، دختران مقطع راهنمایی.

مقدمه

روابط بین فرزندان با والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به‌عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. در حقیقت نظام خانواده در مجموعه‌ای از نظام‌های بزرگتر نظیر محله، شهر، کشور و امثال آن قرار دارد (برون‌فن‌برنر، ۱۹۷۰). این نظام از نظر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم با استفاده از شیوه‌های مختلف تربیت کودک، از گذشته‌های نسبتاً دور توجه زیادی را به خود جلب کرده است. به‌طور معمول زمانی که نظام خانواده کودکانی سالم و سازگار به نظام‌های اجتماعی بزرگتر معرفی می‌کند، این امر به حساب والدین گذاشته می‌شود، ولی وقتی که کودکانی بزهکار، عصبی و روانی وارد اجتماع می‌شوند علاوه بر والدین، عوامل دیگری دائماً به‌عنوان مسؤل معرفی می‌شوند. البته تعامل میان فرزندان و دیگر اعضای خانواده علاوه بر نظریه نظام‌ها، از طریق نظریات دیگر نظیر نظریات شخصیت (مک‌کانل، ۱۹۸۹)، نظریات یادگیری (اعم از رفتارگرایی نظیر اسکینر، ۱۹۸۷ و نظریات یادگیری اجتماعی نظیر بندورا، ۱۹۸۶)، نظریات انسان‌گرایانه (گوردون، ۱۹۷۰؛ نیمیر و نیمیر، ۱۹۹۰)،

نظریات ساختارگرا (کاری و جلمن، ۱۹۹۱؛ ایزارد و مالاتستا، ۱۹۸۷)، نظریات شناختی (پیازه، ۱۹۸۳)، تعامل‌گرایی نمادین (بالدوین، ۱۹۸۶؛ هاتر، ۱۹۸۵) نیز به‌خوبی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال رویکرد نظام‌ها، با این تأکید که تمامی اعضای یک شبکه اجتماعی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، تحقیقات گسترده و وسیعی را راه‌اندازی کرده است (یربی، برکل، راتفوس و بوچنر، ۱۹۹۰). هر نظام خانوادگی بر این اساس از منظومه‌های فرعی متعددی نظیر منظومه نرعی زن و شوهر، والد و فرزند، خواهر و برادر و غیره تشکیل شده است. بنابراین با توجه به تأثیر و تأثر متقابل، سلامتی یا اختلال در خانواده حتی وجود مشکل در روابط میان زن و شوهر (پدر و مادر) به سادگی ممکن است بر نحوه سازش فرزندان اثر بگذارد. البته باید این نکته را افزود که کودکان در پرورش اجتماعی خود نقش فعالی ایفا می‌کنند (بل و هارپر، ۱۹۷۷). یعنی آنها براساس تواناییها، خلق و خو، شخصیت و تجربه گذشته‌شان رفتار دیگران را به طریقی یگانه تعبیر می‌کنند و به آن پاسخ می‌دهند. به‌عبرت دیگر نحوه ادراک و تفسیر فرزندان در درون ساختار خانواده از وقایع و احیاناً تعارضات و مشکلات موجود در نظام‌های فرعی نظیر نظام فرعی والدین، نحوه سازش و رفتارهای سازشی آنها تعیین می‌شود. تحقیقات متعدد نیز بر نقش بسیار مهم والدین در بسیاری از مشکلات سازشی فرزندان تأکید دارند. به باور گاربارتو و شرم (۱۹۸۶) بسیاری از اختلالات رفتاری در خانواده‌هایی مشاهده می‌شود که فضای حاکم بر آن پرخاشگرانه باشد و ارتباطات برای فرزند تهدیدآمیز تلقی شود. در همین راستا همسو با اگولف (۱۹۸۳) باید گفت که بسیاری از خانواده‌ها به زندگی در کنار هم ادامه می‌دهند، اما زندگی آنها سرشار از تعارض و اختلاف است. در چنین مواردی تعارض به فرزند و رفتارهای او گسترش پیدا می‌کند و این‌گونه روابط و زمینه‌های خانوادگی مشخصه کودکانی با مشکلات سازگاری است. در این صورت می‌توان گفت که در بسیاری موارد زمینه خانوادگی، نداشتن امنیت و تعارضات والدین یکی از منابع فشار روانی محسوب می‌شود. در واقع در خانواده‌های مشکل‌دار و مشکل‌ساز، جو و فضای تعارض‌آمیز را خیلی سریع و آسان می‌توان احساس کرد. حتی کسانی که از خارج از نظام خانواده به‌طور موقت وارد چنین نظامی می‌شوند، دچار احساس ناراحتی شده و احساس می‌کنند که محیط این چنین خانواده‌هایی سرد است و آنها را دچار بی‌عوصلگی می‌کند (ستیر، ۱۳۷۶).

علی‌رغم مطالعات گسترده‌ای که بین تعارضات خانوادگی و تأثیر آن بر روی سازگاری کودکان و نوجوانان صورت گرفته (گانروسورف، ۱۹۹۱؛ هیگینز، ۱۹۹۱؛ مک‌هیل و پاولنکو، ۱۹۹۲؛ مک‌کینی و پترسون، ۱۹۸۷؛ آیزنبرگ، ۱۹۹۲؛ چپمن، اسکینز و بالتز، ۱۹۹۰)، توجه به این مهم از دیدگاه کودکان بسیار محدود و حتی در ایران نادر بوده است. معمولاً مطالعات انجام شده در این باره از طریق گزارشهای والدین صورت گرفته که احتمالاً تخمین دقیقی از توجه به طبیعت چند بعدی تعارضی از دیدگاه کودکان نداشته‌اند. گریک و فینچام (۱۹۹۰) در قالب طرحی بنیادی ویژگیهای اشکال تعارض و تأثیر آن بر روی فرزندان را مطرح ساخته‌اند. براساس طرح این اندیشمندان، تعارض پرخاشگرانه و خصمانه‌ای که به دشواری حل شود، تأثیرات مخرب و گاه غیرقابل جبرانی بر روی کودکان بر جای می‌گذارد. در مقابل تعارض‌هایی که از سطح پرخاشگری و خصومت کمتری برخوردارند و به‌طور مستقیم کودک را هدف قرار نمی‌دهند، انتظار نمی‌رود که موجب مشکلات سازگاری فرزندان شوند. در واقع احتمال می‌رود در مواردی سازنده نیز باشند، چرا که راه سازگاری برای حل اختلاف نظرهایی که در زندگی به‌طور اجتناب‌ناپذیر پیش می‌آید را ارائه می‌کنند. بر این پایه باید افزود که خاطرات تعامل‌ها و کنش‌های متقابل گذشته در خانواده از طریق معیارها، انتظارات، ادراکات و احساسات نسبت به سایر اعضای خانواده در کودکان ادامه می‌یابد. براساس نظر هترینگتون و پارک (۱۳۷۳) خانواده‌ها اغلب دارای الگوهای تکراری کنش‌های متقابل می‌باشند که در آن اعضای خانواده نقش‌های ثابتی دارند. در مطالعه گوتمن (۱۹۷۹) و پاترسون (۱۹۸۲) مشخص شده است که تعامل‌ها و مبادله‌های خصمانه و قهرآمیز با شدت فزاینده، الگوی شاخص ازدواج‌های ناموفق و یا خانواده‌هایی است که دارای فرزندان به‌شدت پرخاشگر هستند. در این خانواده‌ها هیچ کوششی برای فرونشاندن خشم و یا حمایت از احساسات دیگران، آن‌گونه که در خانواده‌های آرام متداول است، به‌کار برده نمی‌شود. در خانواده‌های آرام، نوع تعاملات و مبادله‌های اعضا به‌خوبی علاوه بر ایجاد دیدگاهها و تفسیرهای معین، نحوه ادراک و حتی جهان‌بینی کودک را به سمت و سویی منحصر به فرد سوق می‌دهد. بر این اساس مشخص است، خانه‌ای که محیط آن ویژگی‌هایی چون، تعارض، نزاع، سرزنش و ناسازگاری دارد، هم بر

والدین و هم بر فرزندان، آثار زیانباری دارد. در این حوزه، تحقیقات به‌طور ویژه و صریح بر آثار این عوامل بر سازگاری فردی، عزت، نفس و کنترل فردی فرزندان تأکید کرده‌اند (پدرسن و همکاران، ۱۹۷۷؛ امری، ۱۹۸۲؛ هترینگتون، کوکس و کوکس، ۱۹۸۲). در واقع نزاع‌های شدید بین والدین، احساسات و ادراکات منفی کودکان را به دنبال می‌آورد. همین امر در واقع نشان می‌دهد که راهکار به‌ظاهر درست، اما در عمل غلط به دنیا آوردن فرزند به‌منظور استحکام بخشیدن به ازدواج‌های بی‌دوام، ممکن است نتایج تأسف‌انگیزی داشته باشد. نزاع‌ها و تعارض‌های جدی والدین، با پرخاشگری و یا رفتار بزهکارانه در فرزندان و نداشتن محبوبیت در میان همسالان رابطه دارد.

تحقیقات بلاک، بلاک و موریسون (۱۹۸۱) و راتر (۱۹۷۷) نشان داده نزاع و تعارض‌های مداوم برای کودکان، هم از سهل‌گیری افراطی و هم از محدودیت افراطی ویرانگرتر است. جالب اینکه حتی در خانواده‌هایی که پدر یا مادر هر دو بزهکار هستند، اما با یکدیگر توافق دارند و شیوه‌های انضباطی همسانی از طرف آنها اعمال می‌شود و تعارض بین فردی زیادی ندارند، میزان بروز بزهکاری در کودکان پایین است (هترینگتون، کوکس و کوکس، ۱۹۸۲). در چنین رویکردی، به‌سادگی می‌توان تعامل‌های تعارض‌گونه را برای فرزندان به‌مان یک فشار روانی (استرس) نگریست. در پژوهش حاضر نیز دیدگاه نوجوانان از مسأله تعارض بین والدین مطرح است. بنابراین مبنای نظری این پژوهش ارزیابی شناختی فشار روانی، یعنی تعارض‌های خانوادگی و نحوه ادراکات فرزندان نوجوان خانواده‌ها از این امر می‌باشد. در نظریات شناختی فشار روانی، واکنش شناختی و ادراکی نسبت به وقایع پیرامون، میزان تأثیر عامل فشارآور را تعیین می‌کند. در حقیقت احساسی که انسانها از وقایع دارند، به میزان معتناهی به‌نحوه فکر و ادراک آنها نسبت به آن حوادث باز می‌گردد (لازاروس و فالکمن، ۱۹۸۴). اغلب افراد سعی می‌کنند برای مقابله با حوادث و وقایع فشارآور به شیوه‌های مقابله‌ای نظیر مقابله مسأله‌مدار و هیجان‌مدار روی آورند. در مقابله مسأله‌مدار افراد موقعیت را به‌صورت تغییرپذیر ارزیابی می‌کنند، سپس با مشخص کردن مشکل، تصمیم به انجام کاری می‌گیرند. چنانچه مسأله‌گشایی تأثیر چندانی نداشته باشد، ممکن است افراد به مقابله هیجان‌مدار روی آورند که امری درونی و شخصی است. در مقابله هیجان‌مدار،

معمولاً فرد احساس می‌کند، کار جدی برای حل مشکل از دست وی برنمی‌آید. در عین حال متون پژوهشی حاکی از آن است که مقابله‌های ناکارآمد، عموماً از نوع مقابله‌های هیجان‌مدار، تکانشی یا واقعیت‌گریزانه است (بشردوست، ۱۳۷۳). در ادغام یافته‌های مربوط به شیوه‌های مقابله با فشار روانی و تعارض‌های بین‌فردی خانوادگی، رونالدو و ریچموند (۱۹۹۴) با تحقیقی بر روی ۴۵۱ خانواده نشان داده‌اند که وقایع فشارآور خانوادگی، به‌طور مستقیم در خلق افسرده‌نوجوانان تأثیر دارند.

رزنبرگ و همکاران (۱۹۹۲، نقل از بشردوست، ۱۳۷۳) پژوهشی راجع به ادراک کودکان درباره‌ی تعارضات زناشویی و اعتقاد به مهار آنها طی این برخوردها انجام داده‌اند، نتایج نشان داد که این عقاید واسطه‌ی بالقوه میان فشار روانی و مشکلات رفتاری کودکان است. گریک، سید و فینچام (۱۹۹۱) نیز در پژوهشی که از پرسشنامه‌ی ادراک کودکان از تعارض بین‌فردی (CPIC) در آن استفاده شده به‌خوبی نشان داده‌اند که می‌توان از طریق پرسشنامه‌ی CPIC به‌نحوه‌ی ادراک کودکان از تعارضات بین‌فردی والدین پی برد. اتکینز و فرانسیس (۱۹۹۱، نقل از بشردوست، ۱۳۷۳) نیز در پی یافتن دیدگاه کودکان در مورد فشار روانی، از محرک‌های تنش‌زا و راهبردهای مقابله‌ی آنها با این‌گونه عوامل فشارآور گزارش کرده‌اند، کودکانی که در شرایط سرشار از فشار روانی خانوادگی به‌سر می‌برند، در صورت ارزیابی مثبت و تمایل به استفاده از شیوه‌های فعال مقابله کردن، به بهبود وضع خود امیدوار می‌شوند، ولی در صورت ارزیابی منفی به‌خصوص اگر ارزیابی منفی تعارضی با ترس از ارزیابی منفی دیگران همراه باشد، کودکان واکنش‌های روانی و حتی روان-تنی نظیر میگردن از خود بروز می‌دهند. این نتایج به‌خودی خود اهمیت بررسی ادراکات فرزندان و احیاناً نوجوانان را از تعارضات بین‌فردی خانوادگی و رابطه‌ی آن با نحوه‌ی سازگاری آنها روشن می‌کند. افزون بر این، بررسی‌های به‌عمل آمده در نمایه‌های تحقیقاتی و متون پژوهشی داخل کشور نشان می‌دهد که فعالیت تحقیقی جدی و مستقیمی بر روی ادراکات نوجوانان دختر از تعارض بین‌فردی و رابطه‌ی آن با سازگاری آنها صورت نگرفته است. بنابراین مسأله و هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین ادراکات نوجوانان دختر راهنمایی شهر تهران از تعارض بین‌فردی با سازگاری فردی آنها بوده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: بین ادراکات نوجوانان دختر مقطع راهنمایی شهر تهران از تعارض بین فردی (خانوادگی) و سازگاری فردی آنها رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- ۱- بین فراوانی تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شدت تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۳- بین تعارضات قابل حل بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۴- بین محتوای تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۵- بین تهدید دریافتی از تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۶- بین سرزنش ناشی از تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۷- بین تعارض سه‌گانه بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۸- بین پایداری و ثبات تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۹- بین زندگی با والدین و میزان سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین کنار آمدن و مقابله مطلوب با تعارضات بین فردی (خانوادگی) و میزان سازگاری دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

از آنجا که در این پژوهش بررسی رابطه بین تعارضات خانوادگی (زنشویی) با سازگاری دختران مقطع راهنمایی شهر تهران مد نظر بوده است، لذا از روش پژوهش همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر تهران در سال ۸۱-۸۰ تشکیل داده‌اند.

از بین جامعه آماری پژوهش، ۲۹۸ نفر از مناطق شمال، جنوب، شرق و غرب براساس معرف بودن حجم نمونه با استفاده از دفاتر آمار هر مدرسه به صورت نمونه‌گیری تصادفی نظامدار انتخاب شدند. البته برای انتخاب هر مدرسه در هر منطقه به صورت خوشه‌ای و سپس با مراجعه به هر مدرسه از شیوه تصادفی نظامدار استفاده شد. ابزارهای اندازه‌گیری: در این پژوهش از دو پرسشنامه به شرح زیر استفاده شده است.

الف - پرسشنامه ادراک کودکان از تعارضات بین‌فردی (CPIC): این پرسشنامه برای اولین بار در ایران ترجمه شد و از آن برای بررسی نحوه ادراک کودکان از تعارضاتی که درون خانواده (گریک، سید و فینچام، ۱۹۹۱) وجود دارد استفاده شد. مراحل ترجمه و تطبیق متن آن با استفاده از نظر متخصصان روان‌شناس و مشاور صورت پذیرفته است. پرسشنامه CPIC دارای ۹ زیرمقیاس و یک زیرمقیاس جانبی است. اولین مقیاس به وضعیت اشخاصی که دانش آموزان با آنها زندگی می‌کنند می‌پردازد. زیرمقیاس ۲، ۳، ۴ و ۵ مربوط به فراوانی، شدت، قابل حل بودن و محتوای تعارضات بین‌فردی خانوادگی مربوط می‌شود و زیرمقیاس‌های ۶، ۷، ۸ و ۹ نیز به نحوه ارزیابی تعارضات مشتمل بر تهدید، کنار آمدن مطلوب، سرزنش و پایداری مربوط می‌شود. زیرمقیاس تعارض سه‌گانه که به عنوان یک زیرمقیاس جانبی محسوب می‌شود، یعنی تعارض سه‌گانه به قابل پیش‌بینی بودن و امکان درگیر شدن فرزند ارتباط دارد. شرایط اجرای این پرسشنامه به این ترتیب است که برای گروه سنی ابتدایی تا دبیرستان مناسب است، و به صورت گروهی برای هر دو گروه دختر و پسر قابل اجراست. به منظور بررسی روایی هر یک از ۹ زیرمقیاس پرسشنامه ادراک کودکان از تعارضات بین‌فردی (CPIC) همبستگی بین زیرمقیاس‌ها محاسبه شد و سپس با توجه به این همبستگی‌ها و امکان اینکه ابعاد قابل تقلیل باشند از تحلیل عوامل استفاده شد. نتایج حاصل حاکی از آن بود که ۸۰ درصد از

واریانس پرسشنامه ادراک کودکان از تعارضات زناشویی از طریق سه عامل فراوانی تعارضات، شدت تعارضات و توانایی حل مشکلات قابل تبیین است. لذا از نظر سازه به طور نسبی پرسشنامه CPIC روان، تشخیص داده شد. به این پرسشنامه دختران مقطع راهنمایی شهر تهران پاسخ دادند.

ب - پرسشنامه رفتار سازشی کودک: این پرسشنامه که ۴۷ سؤال داشت و والدین (در بیشتر موارد مادر) به آن پاسخ دادند، ابعاد مختلف رفتار کودک یا نوجوان را در واکنش سازگاران به محیط اطراف مورد سنجش قرار می دهد. پاسخ های آن به صورت متنوع (نه چندان خوب، نسبتاً خوب و خیلی خوب و اغلب، گاهی و هرگز و در برخی موارد تعیین پاسخ کودک به موقعیت های مختلف) می باشد. این پرسشنامه براساس بررسی های متخصصان از روایی (صوری) قابل قبول برای سنجش رفتار سازشی کودک برخوردار است.

روش اجرا

پرسشنامه ادراک کودکان از تعارض بین فردی (CPIC) به صورت گروهی به مرحله اجرا در آمد. بدین صورت که تعدادی مدرسه راهنمایی دخترانه با نمونه گیری خوشه ای مشخص شدند. با استفاده از نمونه گیری نظامدار از روی فهرست اسامی این مدارس، افرادی انتخاب شدند و در سالن اجتماعات یا یکی از کلاسها گرد هم آمدند. سپس پژوهشگر (یا دستیاران پژوهشگر) توضیحات لازم را برای دانش آموزان ارائه دادند و سپس با حفظ فاصله لازم از آنها خواسته شد تا پرسشنامه ها را به صورت فردی پاسخ دهند. همچنین فرم رفتار سازشی کودک برای سنجش میزان سازگاری گروه نمونه در اختیار والدین (اغلب مادر) قرار داده شد تا در منزل به دقت برحسب شرایط واقعی فرزند خود به آن پاسخ دهد. توضیحات مقتضی برای نحوه پاسخدهی صحیح به این پرسشنامه به والدی که پرسشنامه را دریافت کرد، ارائه شد.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

داده های حاصل از پرسشنامه ابتدا به صورت طبقه ای در آمدند. بدین ترتیب که از آنجا که پاسخ های والدین و امتیازات هر یک از دانش آموزان در پرسشنامه رفتار سازشی، به صورت ناسازگار، نیمه سازگار و سازگار در آمده بود، امتیازات هر دانش آموز در

زیرمقیاس‌های پرسشنامه ادراک کودکان از تعارض بین فردی نیز به صورت طبقه‌ای در آمد و سپس برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از مجذور خی، χ^2 کرامر و ضریب توافق استفاده شد. کلیه محاسبات با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

یافته‌ها

در یافته‌های پژوهش فرضیه‌ها به ترتیب ارائه شده‌اند.
فرضیه ۱- بین فراوانی تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد. نتایج براساس این فرضیه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- رابطه بین فراوانی تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	χ^2 کرامر	ضریب توافق
۱۷/۶۸۸	۱۵	۰/۲۷۹	۰/۱۴۲	۰/۲۳۸

چنانکه در جدول ۱ دیده می‌شود، بین فراوانی تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > ۰/۰۵$ و $\chi^2 = ۱۷/۶۸$) وجود نداشته است. بنابراین فرضیه ۱ رد می‌شود.

فرضیه ۲- بین شدت تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۲- رابطه شدت تعارضات خانوادگی با سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	χ^2 کرامر	ضریب توافق
۲۱/۲۳۳	۸	۰/۰۰۶۶	۰/۲۶۴***	۰/۳۵۰***

*** $P < ۰/۰۱$

رابطه بین تعارضات زندگی زناشویی با سازگاری نوجوانان / ۴۹

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین شدت تعارضات خانوادگی و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P < 0/001$ و $\chi^2 = 21/233$) وجود داشته است. میزان این رابطه براساس ۷ کرامر $0/264$ و ضریب توافق $0/350$ می‌باشد.

فرضیه ۳- بین قابل حل تلقی کردن تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۳- رابطه تعارضات قابل حل و میزان سازگاری

دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۲۳/۳۴۴	۱۵	۰/۰۷۷	۰/۱۶۴	۰/۲۷۴

چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود، بین شدت تعارضات خانوادگی و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود ندارد، لذا فرضیه ۳ رد می‌شود.

فرضیه ۴- بین محتوای تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۴- رابطه محتوای تعارضات و میزان سازگاری

دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۲/۶۴۲	۱۲	۰/۹۱۷	۰/۰۶۲	۰/۱۰۷

چنانکه در جدول ۴ دیده می‌شود، بین محتوای تعارضات خانوادگی و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود ندارد، لذا فرضیه ۴ رد می‌شود.

فرضیه ۵. بین تهدید دریافتی و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۵- رابطه تهدید دریافتی و سازگاری دختران
راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۲۸/۱۳۸	۱۰	۰/۰۰۱۷	۰/۲۶۱**	۰/۳۴۶**

** $P < ۰/۰۰۱$

چنانکه در جدول ۵ دیده می‌شود، بین تهدید دریافتی و سازگاری دختران رابطه معناداری ($P < ۰/۰۰۱$ و $\chi^2 = ۲۸/۱۳۸$) وجود دارد. مقدار این رابطه برحسب ۷ کرامر ۰/۲۶۱ و برحسب ضریب توافق ۰/۳۴۶ است.

فرضیه ۶. بین سرزنش و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۶- رابطه بین سرزنش و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۳۱/۲۱۷	۱۲	۰/۰۰۱۸	۰/۲۰۰۸**	۰/۳۲۸**

** $P < ۰/۰۰۱$

چنانکه در جدول ۶ دیده می‌شود، بین سرزنش و سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P < ۰/۰۰۱$ و $\chi^2 = ۳۱/۲۱۷$) وجود دارد. مقدار این رابطه بر حسب ۷ کرامر ۰/۲ و برحسب ضریب توافق ۰/۳۲ می‌باشد.

فرضیه ۷. بین تعارض سه‌گانه و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۷- رابطه تعارض سه گانه با میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۵۰/۸۱	۱۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸***	۰/۴۰۸***

چنانکه در جدول ۷ دیده می شود، بین تعارض سه گانه با سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P < ۰/۰۰۱$ و $\chi^2 = ۵۰/۸۱$) وجود دارد. مقدار رابطه بر حسب ۷ کرامر ۰/۲۵۸ و بر حسب ضریب توافق ۰/۴۰۸ است. فرضیه ۸- بین پایداری و ثبات تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۸- رابطه بین پایداری و ثبات تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۲/۶۳۸	۶	۰/۸۱۲	۰/۱۲۲	۰/۱۷۰

چنانکه در جدول ۸ دیده می شود، بین پایداری و ثبات تعارضات خانوادگی و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > ۰/۰۵$) وجود ندارد. لذا فرضیه ۸ رد می شود. فرضیه ۹- بین زندگی با والدین با میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۹- رابطه زندگی با والدین و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۲/۱۷۷	۶	۰/۹۰۲	۰/۰۶۰	۰/۰۸۵

چنانکه در جدول ۹ دیده می‌شود، بین زندگی با والدین و میزان سازگاری دختران مقطع راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود نداشته است. لذا فرضیه ۹ رد می‌شود.

فرضیه ۱۰- بین کنار آمدن و مقابله مطلوب با میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- رابطه بین کنار آمدن و مقابله مطلوب با میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران

مجدور خی	درجه آزادی	معناداری	۷ کرامر	ضریب توافق
۲۳/۱۶۷	۱۵	۰/۰۸۰۷	۰/۱۶۹	۰/۲۸۲

چنانکه در جدول ۱۰ دیده می‌شود، بین کنار آمدن و مقابله مطلوب با میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > 0/05$) وجود ندارد. لذا فرضیه ۱۰ رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل در این پژوهش مشخص گردید که بین فراوانی تعارضات خانوادگی، تعارضات قابل حل (قابل حل دانستن تعارضات)، محتوای تعارضات، پایداری و ثبات تعارضات، زندگی با والدین و کنار آمدن و مقابله مطلوب با تعارضات و میزان سازگاری دختران راهنمایی شهر تهران رابطه معناداری ($P > 0/05$) در جداول ۱، ۳، ۴، ۸، ۹ و ۱۰ وجود ندارد، اما بین شدت تعارضات خانوادگی، تهدید دریافتی از تعارضات خانوادگی، سرزنش و تعارض سه‌گانه با میزان سازگاری دختران رابطه معناداری ($P < 0/05$) در جداول ۲، ۵، ۶ و ۷ به دست آمد. البته لازم به یادآوری است که روابط پیش گفته بر مبنای آماره‌های غیر پارامتریک ضریب توافق و ۷ کرامر محاسبه شده است، لذا تذکر این نکته الزامی است که اندازه‌های این آماره‌ها را برحسب جدول توافقی و فراوانی‌های موجود در هر یک از خانه‌های این جدولها بهتر می‌توان تفسیر کرد نه برحسب تأکید بر علامت ضریب محاسبه شده (به‌ویژه در مورد ۷ کرامر، اندازه‌ها

از ۰ تا +۱ است و اصلاً در این مورد ضریب منفی به دست نمی آید). به هر حال روابط حاصل از این مطالعه به طور نسبی با مطالعات پژوهشگرانی چون پدرسن و همکاران (۱۹۷۷)، امری (۱۹۸۲)، هترینگتون، کوکس و کوکس (۱۹۸۲)، گریک، سید و فینچام (۱۹۹۱) همسوئی نشان می دهد. رابطه بین شدت تعارضات خانوادگی و سازگاری فردی دختران مقطع راهنمایی شهر تهران، و عدم رابطه فراوانی تعارضات خانوادگی و سازگاری آنها تا اندازه‌ای حکایت از آن درد که ممکن است آنچه در سنین اوایل نوجوانی (دوره راهنمایی) برای سازگاری نوجوانان اهمیت دارد، شدت تعارضات خانوادگی و نه فراوانی آنهاست.

تحقیقات محققانی چون بلاک، بلاک و موریسون (۱۹۸۱) و راتر (۱۹۷۷) نشان می دهد که نزاع و تعارضات مداوم (که تا اندازه‌ای همان تعارضات شدید محسوب می شوند) علاوه بر اینکه ادراکات منفی را برای کودکان به دنبال می آورد، تأثیرات مخربی بر سازش فردی آنها و ارتباطات آنها در خارج از خانواده دارد. در واقع شدت تعارضات ممکن است به گونه‌ای خشونت و بد رفتاری را به عنوان یک الگوی رفتاری در میان کودکان و نوجوانان تثبیت کند. این امر به ویژه هنگامی که به رابطه بین تعارضات سه گانه و نحوه سازش دختران (راهنمایی شهر تهران) که در این پژوهش معنادار بوده، توجه می کنیم، روشن تر می شود. درگیر شدن کودکان و فرزندان (برخلاف زمانی که آنها صرفاً مشاهده گر هستند) در تعارضات بین والدین ممکن است آثار و تبعات مختلفی، هم برای والدین و هم برای فرزندان به دنبال داشته باشد. البته در این درگیری و تعارض، ممکن است کودک سعی کند تا به عنوان یک واسطه و میانجی بین والدین عمل کند. بنابراین ممکن است او با امید و ارزیابی مثبت سعی در رفع تعارضات خانوادگی و والدین خود کند. این نتیجه گیری همسو با پژوهش پژوهشگرانی چون رونالد و ریچموند (۱۹۹۴)، گریک، سید و فینچام (۱۹۹۱)، اتکینز و ارنایس (۱۹۹۲ نقل از بشر دوست، ۱۳۷۳) است. این پژوهشگران نشان داده اند که چنانچه فرزندان از تعارضات موجود بین والدین ارزیابی مثبتی داشته باشند و در عین حال آن را قابل حل بدانند، از نظر روانی در شرایط مطلوبی قرار خواهند داشت و به سادگی می توانند در جهت سازگاری مطلوب تر گام بردارند، ولی چنانچه تعارضات موجود فرزند یا فرزندان را درگیر کند و آنچنان هم عمیق و شدید باشد که کاری از دست کودک بر نیاید، در این صورت باید مشکلات سازگاری و

روانی را برای فرزندان (کودک و نوجوان) انتظار کشید. رابطه به دست آمده بین تهدید دریافتی از تعارضات خانوادگی و سازگاری دختران مقطع راهنمایی نیز تا اندازه زیادی این وضعیت را تأیید می‌کند.

پژوهشهای زیادی از جمله پژوهش گریک و فینچام (۱۹۹۰) و رونالد و ریچموند (۱۹۹۴) حکایت از آن دارد که تعارضات و فشارهای روانی خانوادگی با خلق و خوی نوجوانان رابطه دارد. چنانچه ادراک نوجوانان یا کودکان به طور کلی از تعارضها به شکل تهدید جدی دریافت شود، به سادگی می‌توان اضطراب، افسردگی و یا حتی واکنشهای روان‌تنی را انتظار کشید. این نوع مشکلات به سادگی قادر است اعتماد به نفس و سازگاری و حتی تسلط بر خود را در فرزندان خانواده دچار اشکال جدی کنند. این نتیجه‌گیری از طریق رابطه‌ای که بین سرزنش و سازگاری فردی شرکت‌کنندگان در پژوهش به دست آمده تأیید می‌شود. البته در مواردی که رابطه معنادار بین ابعاد ادراکات نوجوانان از تعارض بین فردی و سازگاری بین فردی آنها به دست نیامد نیز باید به اندازه کافی مورد توجه قرار گیرد. وجود نداشتن رابطه بین فراوانی، قابل حل دانستن، محتوای تعارضات، پایداری و ثبات تعارضات، زندگی با والدین و کنار آمدن، مقابله یا سازگاری نوجوانان تا اندازه‌ای با تحقیقات خارجی نظیر گریک و فینچام (۱۹۹۰) ناهمسو است. این ناهمسویی ممکن است از گروه نمونه این پژوهش که صرفاً به دختران راهنمایی محدود بوده نشأت بگیرد. چرا که معمولاً براساس پژوهشهای پژوهشگرانی چون هترینگتون، کوکس و کوکس (۱۹۸۲) معمولاً والدین در برابر دخترها سعی در اختفا یا قابل حل دانستن تعارضها می‌کنند. همین امر باعث می‌شود تا دختران نسبت به پسران کمتر تحت تأثیر ناهماهنگیها و تعارضات خانوادگی قرار بگیرند (بلاک، بلاک و موریسون، ۱۹۸۱؛ راتر ۱۹۷۷). بنابراین داوری قطعی‌تر در مورد رابطه بین ادراکات نوجوانان از تعارض بین فردی و سازگاری فردی آنها مستلزم به کارگیری گروههای نمونه دختر و پسر در مقاطع سنی پایین‌تر و بالاتر خواهد بود. در مجموع باید گفت فرزندان هنگامی که از تعارض آگاه باشند، دست به ارزیابی‌های مختلفی می‌زنند. اگر این ارزیابی‌ها به سمت این باور که باید تعارضها مهار شود، سوق داده شوند، فرد شیوه‌های مقابله‌ای به کار می‌گیرد، اما اگر ارزیابی‌ها به تهدیدآمیز بودن شرایط منجر شود، نتیجه آن سرزنش خود و پاسخ‌های پرخاشگرانه و افسرده‌گونه خواهد بود. البته

تلاش‌های مقابله‌ای فزاینده، کودکان و نوجوانان را به افرادی کارآمدتر برای رویارویی با مشکلات آینده تبدیل می‌کند. چرا که غلبه و پیروزی بر مشکلات آنها را مطمئن‌تر و توانایی مقابله با عوامل فشارزا را چند برابر می‌کند. بنابراین همسو با نظریات مطرح در حوزه رشد (برگ، ۱۳۸۲) باید گفت که کودکان و نوجوانان، ظرفیت‌های سازگاری بالایی را دارند، ظرفیتی که در واقع از هیچ منبعی دریافت نمی‌کنند، بلکه گویی در وجود آنها به ودیعه گذاشته شده است. بنابراین با وجود دشواری‌های شدید خانوادگی، اگر فرزندان این مشکلات را قابل حل ارزیابی کنند، متوجه مشکلات جدی نمی‌شود. لذا در پایان باید گفت شناخت علمی و پژوهشی تعارضات و نحوه ارزیابی و سازگاری نوجوانان با توجه به جمعیت جوانان کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است. این پژوهش نیز بر پایه همین اهمیت انجام پذیرفت، ولی پژوهش‌های آینده نیز باید راجع به عوامل و دلایل این شرایط اطلاعات و آگاهی‌های بیشتری را فراهم کنند.

منابع

بشردوست، سیمین. (۱۳۷۳)، «تعارضات زندگی زناشویی و تأثیر آن در سازگاری نوجوانان مقطع راهنمایی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

برگ، لورا، ای. روان‌شناسی رشد، جلد دوم، ترجمه یحیی سیدمحمدی، (۱۳۸۲)، چاپ اول، تهران، نشر ارسباران.

سیترو، ویرجینیا. آدم‌سازی، ترجمه بهروز بیرشک، (۱۳۷۶)، چاپ سوم، تهران، انتشارات رشد. هترینگتون، ای، میویس و پارک، اِس. دی. روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر، جلد دوم، ترجمه جواد ظهوریان و همکاران، (۱۳۷۳)، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

BALDWIN, J.D. (1986). *George herbert mead: A unifying theory for sociology*. Beverly hills, CA: Sage.

BANDURA, A. (1986). *Social foundat: ons of thoeght and action: A social cognitive therry*. Englewood cliffs, NJ: Prentice-Hall

BELL, R.Q. & HARPER, L.V. (1977). *Chold effects on adults*. hillsdale, NJ: Erlbaum.

- BROK, J.H. & BLOCK, J. & MORRISON, A. (1981). Parental agreement-disagreement on childrearing orientation and gender-related personality correlates in children. *Child Development*, 52, 965-974.
- BRONFENBERNER, U. (1970). Who cares for america's children? Address Presented at the conference of the National Association for the education of Young children.
- CAREY, S., & GELMAN, R. (Eds). (1991). *The epigenesis of mind: Essays on biology and cognition*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- CHAPMAN, M., SKINNER, E.A., & BALTES, P.B. (1990). Interpreting correlation between children's perceived control and cognitive performance: control, Agency, or means-ends beliefs? *developmental psychology*, 26, 246-253.
- EISENBERG, A.R. (1992). Conflicts between mothers and their young children. *Merrill-Palmer Quarterly*, 38, 21-43.
- EMERY, R.E. (1982). Interparental conflict and the children of discord and divorce. *Psychological bulletin*, 92, 310-330.
- GARBARINO, J., & SHERMAN, D. (1980). High-risk neighborhoods and high-risk families: The human ecology of child maltreatment. *child development*, 51, 188-198.
- GORDON, T. (1970). *P.E.T: Parent effectiveness training: The tested new way to raise responsible children*. New York: Plume.
- GOTTMAN, J.M. (1979). *Marital interaction: Experimental investigation*. New York: Academic Press.
- GRYCH, J.H., & FINCHAM, F.D. (1990). Marital conflict and child adjustment: A Cognitive contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267-220.
- GRYCH, J.H., SEID, M., & FINCHAM, F.D. (1991). Children's cognitive and affective responses to different forms of interparental conflict. Paper presented at the biennial meeting of the society for research in child development, seattle, WA.
- GUNNAR, M.R., & STROUFE, L.A. (Eds). (1991). *The Minnesota symposia on child development: Vol 23. self processes and development*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.

- HETHERINGTON, E.M., COX, M., & COX, R. (1982). Effects of divorce on parents and children, In M.Lamb(Ed), Nontraditional families. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- HIGGINS, E.T. (1991). Development of self-regulatory and self-evaluative processes: costs, benefits, and tradeoffs. In M.R. Gunnar & L.A. Sroufe(Eds), The Minnesota symposia on child development: Vol 23. self processes and development cpp. (25-165). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- HUTTER, M. (1985). Symbolic interaction and the study of the family. In H.A. Faberman & R.S. Perinbanayagan. (Eds.), Foundations of interpretive sociology: Original essays in symbolic interaction. studies in symbolic interaction (suppl. 1, pp 117-152). Greenwich, CT: JAI.
- IZARD, C.E., & MALATESTA, C.Z. (1987). Perspectives on emotional development, I: Differential emotions theory of early emotional development, In J.D.O sofsky (Eds.) Handbook of infant development (2nd ed., PP. 494-554). New Yor: wiley.
- LAZARUS, R.S., & FOLKMAN, S. (1984). Stress, appraisal, and coping. New York, Springer.
- MC CONNELL, J.V. (1989). Understanding human behavior (6th ed). New York: holt, Rinehart, and winston.
- MC HALE, S.M., & PAWLETKO, T.M. (1992). Differential treatment of siblings in two family contexts. child development, 63, 68-81.
- MC KINNEY, B., & PETERSON, R.A. (1987). Predictors of stress in parents of developmentally disabled children Journal of pediatric Psychology, 12, 133-150.
- NEIMEYER, G.J. & NEIMEYER, R.A. (Eds.) (1990). Advances in personal construct psychology (Vol, 1) Greenwich, CT: JAI.
- PATTERSON, G.R. (1982). Coercive family process. Eugene, OR: Castalia press.
- PEDERSON, F.A. & ANDERSON, B.T., & CAIN, R.L. (1977). An approach to understanding linkages between the parent-infant and spouse relationships. paper presented at the Society for Research in child development, New orleans.

- PIAGET, J. (1983). Piaget's theory. In W.kessen (Eds.) Handbook of child Psychology: Vol 1. History, theory and methods (PP 103-128). New York: wiley.
- REYNOLDS, C.R., & RICHMOND, B.O. (1994). What I think and feel: Arevised measure of children's anxiety. Journal of Abnormal child psychology.
- RUTTER, M. (1977). Individual differnces. In M. Rutter & L. Hensor (Eds.) child psychiatry: Modern approaches (PP 3-21). Oxford, England: Blackwell scientific.
- SKINNER, B.F. (1987). Whatever happened to Psychology as the science of behavior? American psychologist, 42, 780-786.
- YERBY, J., & BUERKEL-ROTHFUSS, N. & BOCHNER, A.P. (1990). Understanding family communication. scottsdale, AZ: Gorsuch Scarisbrick.

وصول: ۸۳/۳/۱۲

پذیرش: ۸۴/۶/۱۶

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی